



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 14 Issue: 32

Autumn 2023

Article Type: Research Article

Pages: 1-31

A Comparative Study of the Right of Attribution in the Legal Systems of Iran, the United Kingdom, and the United States of America

Faezeh Teymouri Moghaddam¹ | Sayyed Mohammad Mahdi Qabuli Dorafshan^{2✉} |
Saeid Mohseni³

1. Master's student in Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

fa.teimourimoghadam@mail.um.ac.ir

2. Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

ghaboli@um.ac.ir

3. Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

s-mohseni@um.ac.ir

Abstract

The attribution right of the authors of literary and artistic works, as one of the types of moral rights, consists of positive and negative aspects. Because of these aspects, the author should be introduced as the creator of the work and the false attribution of the work to a third person should be prevented. Given the protection of this right in the law of Iran, the United Kingdom and the United States of America, the present study attempts to examine the concept, aspects and scope of the right of attribution in these legal systems in a descriptive-analytical and comparative method. The results of this study indicate that although there are differences arising from the different legal structures and ideas of these legal systems, the creators of literary, artistic, dramatic and musical works can protect their name and identity. Of course, the duration of this right is not the same and contrary to Iranian law, in the United Kingdom and the United States of America, the protection of the author's name is temporary.

Keywords: *Anonymous Works, False Attribution, Moral Rights, Paternity Right.*

Received: 2022/06/12 Received in revised form: 2022/12/31 Accepted: 2023/01/22 Published: 2023/09/30

DOI: 10.22034/LAW.2023.52066.3141

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



مطالعه تطبیقی حق انتساب اثر در نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا

فائزه تیموری مقدم^۱ | سید محمدمهدی قبولی درافشان^۲ | سعید محسنی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران | fa.teimourimoghadam@mail.um.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، ایران | ghaboli@um.ac.ir

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، ایران | s-mohseni@um.ac.ir

چکیده

حق انتساب پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری به‌عنوان یکی از اقسام حقوق معنوی، حقی است با ابعاد ایجابی و سلبی که به سبب آن بایسته است پدیدآورنده به‌عنوان خالق اثر معرفی شده، از انتساب اثر به دیگران جلوگیری نماید. با توجه به حمایت از این حق در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا، نگارندگان پژوهش حاضر در تلاش‌اند تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه تطبیقی مفهوم، ابعاد و قلمرو حق انتساب در این سه نظام حقوقی بپردازند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که پدیدآورندگان آثار ادبی، هنری، نمایشی و موسیقایی با تفاوت‌های اندکی که برآمده از ساختارها و اندیشه‌های حقوقی متفاوت این سه نظام حقوقی است، قابلیت محافظت از نام و هویت خویش را دارند. البته مدت حمایت از این حق یکسان نبوده، برخلاف حقوق داخلی ایران، در انگلستان و آمریکا حمایت از نام پدیدآورنده، موقت و محدود به زمان است.

واژگان کلیدی: آثار بی‌نام، انتساب نادرست، حق سرپرستی، حق شناسایی به‌عنوان پدیدآورنده،

حقوق معنوی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸

DOI: 10.22034/LAW.2023.52066.3141

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

حق انتساب^۱، حق پدیدآورنده آثار ادبی و هنری در محافظت از نام و عنوان خویش در اثر است که با عناوین دیگری همچون «حق بر نام»^۲ یا «حق سرپرستی»^۳ نیز شناخته می‌شود. این حق که عضوی از خانواده حقوق معنوی^۴ پدیدآورنده است، در حقوق داخلی ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا مورد حمایت قرار گرفته است. قانون‌گذار ایرانی با درک اهمیت حمایت از نام و عنوان آفرینندگان آفرینش‌های فکری، در قوانین مختلفی از جمله «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸»، «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲» و «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹» به این حق اشاره کرده است. همچنین انگلستان با تصویب «قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸»^۵ و آمریکا نیز به وسیله «قانون حقوق هنرمندان آثار بصری ۱۹۹۰»^۶، به حمایت از حق انتساب پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری پرداخته‌اند. البته شایان ذکر است که در منابع حقوقی مرتبط با حق انتساب در انگلستان و آمریکا، رویه قضایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ منبعی که در حقوق داخلی ایران و در حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان نقش قابل توجهی ندارد.

پیروی نظام تقنینی ایران از اصول موجود در نظام حق مؤلف و عضویت انگلستان و

1. Attribution right
2. Right of name
3. Paternity right

۴. برای مطالعه در مورد مفهوم و پیشینه اصطلاح حق معنوی، ر.ک. علی مظهر قراملکی و همکاران، «معناشناسی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۹ (۱۳۹۳)، صص ۱۶۲-۱۶۴.

5. Copyright, Design and Patent Act of 1988

6. Visual Artist Right Act of 1990 (codified at 17 U.S.C. § 106 A)

در مورد جایگاه حمایت از حق انتساب پدیدآورنده در ایالات متحده آمریکا، جدای از پذیرش این حق در حقوق ایالت‌ها و وجود راه‌های حمایتی دیگر، در سطح فدرال نیز کنگره به‌عنوان واضح قوانین فدرالی، در قانون حقوق هنرمندان بصری ۱۹۹۰ برای اولین بار به حقوق معنوی اشاره و حق انتساب و تمامیت پدیدآورندگان آثار بصری را در ماده ۱۰۶ (الف) بخش ۱۷ کد ایالات متحده (قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶) وارد نموده است. نظر به تعدد قوانین ایالتی و تفاوت آنها با یکدیگر و از سویی، اولویت قوانین فدرالی بر قوانین موجود در ایالت‌ها، قانون حقوق هنرمندان بصری ۱۹۹۰ به‌عنوان جدیدترین منبع قانونی حق انتساب، در این پژوهش مبنای مطالعه قرار خواهد گرفت. بنابراین، مطالعه قوانین ایالات، صلاحیت و نکات قانونی راجع به سایر منابعی که در مورد حمایت از حق یادشده در ایالات متحده آمریکا مطرح شده‌اند، مطالعه تفصیلی دیگری را می‌طلبد.

ایالات متحده آمریکا در نظام حقوقی کامن لا و پذیرش سیستم کپی‌رایت سبب شده است تا حقوق داخلی این کشورها موضع متفاوتی در حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری اتخاذ نمایند؛ چراکه در کشورهای پیرو سیستم حمایت از حقوق مؤلف، حقوق معنوی پدیدآورندگان به‌عنوان حق طبیعی آنان و جزئی از شخصیت‌شان در نظر گرفته می‌شود و از این رو، حمایت از شخصیت مؤلف اهمیت بسیاری دارد.^۷ اما در کشورهای کامن لا که پیرو سیستم کپی‌رایت هستند، همچون انگلستان و آمریکا، تمرکز اصلی بر حمایت از خود اثر است و نه تنها شخصیت و حقوق معنوی مؤلف چندان مهم نیست که اثر و منافع اقتصادی حاصل از آن از اهمیت بیشتری برخوردار است.^۸ از این رو، در خصوص ارائه‌ی عنوانی مستقل، تعریفی مشخص و پذیرش ابعاد مختلف حق انتساب، میان قوانین این سه کشور تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. علاوه بر این، در مورد قلمرو این حق و در خصوص اشخاص و آثار برخوردار از حق انتساب و همچنین مدت حمایت از حق یادشده نیز رویکردهای متفاوتی اتخاذ گردیده است که خود نشان از سطوح متفاوت حمایت در این کشورها دارد.

با توجه به مطالب پیشین، نگارندگان جستار حاضر در تلاش‌اند تا مفهوم، ابعاد و قلمرو حق انتساب را در حقوق داخلی ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا مطالعه کرده، ضمن شناسایی خلأها، وجوه اشتراک و افتراق این سه نظام حقوقی را تبیین نمایند. به‌خصوص در ادبیات پژوهشی کشورمان، واکاوی جایگاه حق انتساب پدیدآورندگان در حقوق انگلستان و آمریکا به‌عنوان نمایندگانی از نظام حقوقی کامن لا فاقد سابقه به‌نظر می‌رسد و در برخی مطالعات صورت‌گرفته نیز به بیان کلیاتی در خصوص نظام‌های یادشده، اکتفا گردیده است. لذا در ادامه، ابتدا به تبیین مفهوم و ابعاد گوناگون حق انتساب خواهیم پرداخت و سپس قلمرو این حق در قالب قلمرو شخصی، موضوعی و زمانی را بررسی خواهیم کرد.

۷. باقر انصاری، «شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت)»، تحقیقات حقوقی، ش ۴۵ (۱۳۸۶)، ص ۱۰۲.

۸. ستار زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ۵، ۱۳۹۸)، ص ۷؛ برای آشنایی بیشتر با جایگاه حقوق معنوی در این کشورها، رک. محمدهادی میرشمسی و میلاد حامدی، «تحلیل رویه‌ی عملی نظام کپی‌رایت راجع به حقوق معنوی»، پژوهش حقوق خصوصی، ش ۳۲ (۱۳۹۹)، ص ۱۵۵-۱۸۸.

۹. سید حسن شبیری زنجانی، «مطالعه تطبیقی مفهوم و ماهیت حق انتساب اثر ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی»، تحقیقات حقوقی، ش ۷۹ (۱۳۹۶)، ص ۲۳۹-۲۷۳.

۱. مفهوم و ابعاد ایجابی و سلبی حق انتساب

در بیشتر قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی که به پذیرش و حمایت از حق بر نام پدیدآورندگان پرداخته شده، نه تنها تعریفی از حق انتساب ارائه نشده است که ابعاد گوناگون این حق و موضع قوانین از حیث پذیرش روش‌های مختلف اعمال آن به روشنی مشخص نیست. بنابراین، شایسته است که وضعیت مفهوم این حق و ابعاد گوناگون آن در حقوق ایران، انگلستان و امریکا بررسی گردد. لذا در این مبحث، ابتدا به بررسی مفهوم حق انتساب و سپس شناسایی ابعاد ایجابی و سلبی آن پرداخته خواهد شد.

۱.۱. مفهوم حق انتساب

حق انتساب که برخی^{۱۰} آن را «نماد حقوق معنوی» نیز می‌دانند به این معناست که پدیدآورنده یک محصول فکری حق خواهد داشت تا به‌عنوان آفریننده آن اثر شناخته شود. پدیدآورنده همانند مهر پدر به فرزند، به آفریده خویش دلبستگی دارد؛ لذا همان‌طور که پدر نام خانوادگی خود را بر فرزندش می‌گذارد، پدیدآورنده نیز حق دارد که نام خود را همراه با اثرش ارائه دهد^{۱۱}. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که وی در معرفی خویش به‌عنوان آفریننده اثر ملزم نیست که از نام و عنوان واقعی خویش بهره بگیرد، بلکه وی قادر است در مورد نحوه افشای نام خود تصمیم‌گیری نموده، اثر را با نام واقعی، مستعار^{۱۲} یا بدون درج نام^{۱۳} ارائه کند^{۱۴}. به‌علاوه پدیدآورنده نه تنها حق شناسایی به‌عنوان خالق اثر را دارد که در همین راستا قادر است مانع از انتساب اثر به سایر اشخاص شود و از عرضه اثر با نام سایرین و بهره‌مندی از منافع مادی و معنوی حاصل از آن از سوی دیگران جلوگیری نماید. بنابراین، در یک نگاه کلی و هم‌عقیده با نظر برخی^{۱۵}، مفهوم حق انتساب را می‌توان حق

۱۰. ماری کرنو و همکاران، فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، (تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۹۰)، ص ۴۴.

۱۱. اسدالله امامی، حقوق مالکیت معنوی، ج ۱، (تهران: نشر میزان، چ ۴، ۱۳۹۹)، ص ۲۳۳.

12. Pseudonymous

13. Anonymous

۱۴. گرباود، الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی‌رایت)، ترجمه غلامرضا لایقی، (تهران: خانه کتاب، چ ۱، ۱۳۸۰)، ص ۴۴.

15. Sheila J. McCartney, "Moral Rights Under the United Kingdom's Copyright, Designs and Patents Act of 1988", *Columbia-VLA Journal of Law & the Arts*, vol. 15 (1990), p. 211.

پدیدآورنده در شناسایی به‌عنوان خالق اثر و جلوگیری از عدم انتساب یا انتساب نادرست دانست.

۲.۱. ابعاد ایجابی و سلبی حق انتساب

با توجه به تعریفی که از حق انتساب ارائه گردید، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم حق انتساب از دو بُعد تشکیل شده است؛ بُعد ایجابی (مثبت) و بُعد سلبی (منفی). بُعد ایجابی حق انتساب، بیانگر مجموعه اقداماتی است که پدیدآورنده در راستای معرفی خویش به‌عنوان خالق اثر می‌تواند به‌انجام رساند. مراد از بُعد سلبی حق انتساب، توانایی پدیدآورنده در ممانعت از انتساب اثر به دیگران و گاه به خود است.^{۱۶} بنابراین در این قسمت، ابتدا به تعریف و شناسایی ابعاد ایجابی (مثبت) پرداخته خواهد شد، سپس ابعاد سلبی (منفی) حق یادشده بررسی می‌گردد.

۱.۲.۱. ابعاد ایجابی حق انتساب

حق انتساب متشکل از دو بُعد ایجابی است و پدیدآورنده به دو شیوه می‌تواند آفرینندگی و نسبت خود با اثر را اعلام نماید که در ادامه به شرح و تبیین این موارد خواهیم پرداخت.

۱.۲.۱.۱. حق شناسایی به‌عنوان پدیدآورنده با استفاده از نام واقعی یا مستعار

پدیدآورنده در راستای تحقق بُعد مثبت حق انتساب و معرفی خویش به‌عنوان خالق اثر، می‌تواند از نام واقعی خود بهره برده، آن را همراه اثر ارائه و خود را به همگان معرفی نماید. حق پدیدآورنده در استفاده از نام واقعی خویش و ارائه آن همراه اثر بدیهی‌ترین اقدامی است که وی در راستای اعمال حق انتساب خود قادر است به‌انجام رساند. در واقع، وقتی سخن از نام پدیدآورنده به‌میان می‌آید، واقعی بودن نام او از نخستین اوصافی است که به ذهن می‌رسد و از این رو به مجرد پذیرش حق انتساب در قوانین، ولو اینکه به حق پدیدآورنده در استفاده از نام واقعی خود به صورت اختصاصی اشاره‌ای نشود، همچنان این حق برای آفریننده محفوظ خواهد بود. بنابراین، گرچه در قوانین و مقررات ایران، انگلستان و ایالات

16. Henry Hansmann & Marina Santilli, "Authors' and Artists' Moral Rights: A Comparative Legal and Economic Analysis", *the Journal of Legal Studies*, vol. 26 (1997), p. 130.

متحدۀ امریکا به‌طور اختصاصی به حق پدیدآورنده در درج نام واقعی خود اشاره‌ای نشده است، اما با توجه به استدلالی که ارائه شد و همچنین حمایت کلی از نام پدیدآورندگان در حقوق داخلی این کشورها، می‌توان نتیجه گرفت که این جنبه از حق انتساب مورد قبول هر سه نظام حقوقی بوده، پدیدآورنده با درج نام واقعی خویش قادر به اعمال حق یادشده است.

گفتنی است پدیدآورنده نه‌تنها ملزم به استفاده از نام واقعی خود نیست، حتی می‌تواند با توجه به شرایط و مصلحت امور خویش از عناوین فرضی و مستعار هم استفاده کند و حق خود را اعمال نماید. در حقوق ایران و در بررسی قوانین مرتبط با این حق، ماده‌ای که به‌صراحت مجوز استفاده از نام مستعار برای پدیدآورنده قلمداد شود شناسایی نشده است، اما برخی^{۱۷} با اشاره به عبارت پایانی ماده ۱۸ قانون حمایت ۱۳۴۸ که مقرر می‌دارد: «مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد»، معتقدند که پدیدآورنده ملزم به استفاده از نام واقعی خود نیست و می‌تواند از عناوین مستعار نیز استفاده کند. در حقوق انگلستان، قانون‌گذار به‌صراحت و در بند ۸ ماده ۷۷ قانون کپی‌رایت مصوب ۱۹۸۸، حق استفاده از نام مستعار، حروف اختصاری یا علائم دیگر برای پدیدآورنده به‌نحوی که هویت خود را بر همگان آشکار سازد، به‌رسمیت شناخته است^{۱۸}. بنابراین پدیدآورنده می‌تواند در اعلام خویش به‌عنوان خالق اثر، از نام مستعار نیز بهره‌بردارد و در این زمینه ممنوعیتی وجود ندارد. در مورد ایالات متحدۀ امریکا، قانون‌گذار در ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت مصوب ۱۹۷۶، به تعریف اثر با نام مستعار می‌پردازد که طبق آن تعریف، «اثر با نام مستعار اثری است که ... پدیدآورنده آن، تحت یک نام فرضی شناخته می‌شود». به‌علاوه قانون‌گذار در مواد مختلفی از همین قانون به وضع مقرراتی راجع به آثار با نام مستعار پرداخته و همچون سایر آثار مشمول حمایت، یک محدوده زمانی مشخص برای حمایت از این آثار در نظر گرفته است. بنابراین با توجه به تعریف ارائه‌شده و از سویی وجود مقرراتی راجع به این دسته از آثار، روشن است که انتشار اثر با استفاده از نام مستعار، مجاز بوده، پدیدآورنده همواره ملزم به استفاده از نام واقعی خویش و معرفی آن به همگان نیست.

۱۷. ستار زرکلام، پیشین، ص ۱۱۶.

۱۸. همان، ص ۱۲۷.

۲.۱.۲.۱. حق افشای پدیدآورندگی اثر

یکی دیگر از راه‌های اعمال حق انتساب، افشای پدیدآورندگی اثر است. حق افشای پدیدآورندگی مربوط به زمانی است که پدیدآورنده پیش از این به هر دلیلی هویتش پنهان مانده بود و اکنون درصدد افشای آن است.^{۱۹} برای مثال، پدیدآورنده‌ای که پیش از این اثرش را بدون نام یا با استفاده از نام مستعار منتشر کرده بود و اکنون قصد افشای هویت واقعی خویش را دارد.^{۲۰} در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا گرچه به این مورد به‌طور مجزا اشاره نشده، اما به‌نظر با توجه به اینکه حق انتساب پدیدآورنده در این سه نظام حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و گاه لازمه اعمال حق، افشای نام پدیدآورنده است، پدیدآورنده قادر به افشای نام خود بوده، از این جهت با منع قانونی مواجه نخواهد بود. با وجود این، سؤالی ممکن است مطرح شود و آن اینکه پدیدآورنده‌ای که اثرش را بدون نام یا با استفاده از نام مستعار منتشر نموده، آیا قادر است بدون محدودیت و هر زمان که تمایل داشته باشد نام واقعی خویش را افشا نماید؟ در راستای پاسخ به پرسش مطرح‌شده، برخی^{۲۱} موقعیتی را ترسیم می‌کنند که افشای نام پدیدآورنده به ضرر دیگران تمام می‌شود. موقعیتی که در آن مؤلفی دو کتاب، یکی با نام مستعار و دیگری با نام واقعی خود منتشر نموده، و کتابی که با نام مستعار منتشر شده، برخلاف کتابی که با نام واقعی او عرضه شده است، با اقبال بیشتری مواجه گردیده و پدیدآورنده اکنون درصدد افشای نام واقعی خود است. سؤال این است که آیا در این وضعیت با افشای نام واقعی خالق اثری که پیش‌تر با نام مستعار منتشر شده است، به منافع ناشر ضرری وارد نخواهد شد؟ هم‌عقیده با نویسندگان یادشده^{۲۲}، به‌نظر روا نیست که بدون قید و شرط، به‌ویژه در جایی که منافع ناشر یا توزیع‌کننده اثر در میان باشد، چنین

19. J. Carlos Fernandez-Molina & Eduardo Peis, "The Moral Rights of Authors in the Age of Digital Information", *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, vol. 52 (2001), p. 110.

۲۰. جدیدترین نمونه موجود در این باب، آشکار شدن هویت واقعی نویسنده مجموعه محبوب رمان‌های جنایی، با نام مستعار «کارمن مولا» در سال ۲۰۲۱ است. وی به‌عنوان یک نویسنده زن حدوداً ۴۰ ساله شناخته می‌شد و به‌واسطه فروش رمان‌های جنایی‌اش به شهرتی بی‌نظیر دست یافته بود. اما چندی پیش و در جریان اهدای جایزه «پلانتا» در اسپانیا، مشخص شد که سه مرد از این نام مستعار برای انتشار کتاب خویش استفاده می‌کردند و جایزه یک میلیون یورویی سبب شد که هویت واقعی خویش را آشکار نمایند. مشاهده متن کامل خبر در: <https://www.hamshahronline.ir/news/632677>.

21. Henry Hansmann & Marina Santilli, *op. cit.*, p. 133.

22. *Ibid.*, p. 134.

حقی برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته شود و مجوز افشای نام واقعی پدیدآورنده صادر گردد. با این حال، برای حفظ حقوق آفریننده، ضروری است میان شرایط مختلف قائل به تفکیک شد؛ چراکه نباید به گونه‌ای حکم نمود که اعمال حق انتساب پدیدآورنده نیز بدون دلیل موجه با محدودیت روبه‌رو شود. از این رو، شایسته است که اعمال محدودیت بر حق افشای نام پدیدآورنده را صرفاً محدود به موقعیتی بدانیم که پدیدآورنده بر مبنای شروط قراردادی به انتشار اثر به صورت بی‌نام و یا با استفاده از نام مستعار متعهد شده و از افشای نام واقعی خویش منع گشته باشد. توضیح اینکه چنانچه پدیدآورنده تعهدی به انتشار اثر به صورت بی‌نام و یا با استفاده از نام مستعار نداشته باشد، قادر به اعمال حق خود خواهد بود و از این جهت منعی وجود نخواهد داشت. زیرا اعمال حق انتساب و صیانت از نام و عنوان پدیدآورنده حق قانونی وی می‌باشد که در متون قانونی بر آن تأکید شده است و بی دلیل نمی‌توان از اعمال آن جلوگیری کرد. اما در مقابل، چنانچه پدیدآورنده پیش از این ضمن قراردادی از جمله قرارداد نشر و یا سایر تعهدات مربوطه، به انتشار اثر به صورت بی‌نام و یا با استفاده از نام مستعار خود متعهد شده باشد و با افشای نام خود برخلاف شروط قراردادی عمل نماید و با این اقدام، منافع متعهدله در معرض آسیب قرار بگیرد، وی مجاز به افشای نام خود نبوده و در صورت افشا نیز مکلف به جبران خسارت زیان‌دیده است.

۱.۲.۲.۱. ابعاد سلبی (منفی) حق انتساب

در خصوص محافظت پدیدآورنده از نام و عنوان خویش، علاوه بر ابعاد ایجابی، پدیدآورنده قادر است اقدامات دیگری تحت عنوان ابعاد سلبی یا منفی حق انتساب به‌انجام رساند که در ادامه به بررسی این ابعاد می‌پردازیم.

۱.۲.۲.۱. ممانعت از انتساب اثر به سایر اشخاص

همان‌طور که پدیدآورنده حق دارد به‌عنوان خالق اثر شناخته شود، قادر است از انتساب اثر به دیگران و حذف نامش جلوگیری نماید.^{۲۳} برخلاف انگلستان و ایالات متحده آمریکا

23. Cyrill P. Rigamonti, "Deconstructing Moral Rights", *Harvard International Law Journal*, vol. 47 (2006), pp. 363-364.

که در قوانین خود اشاره‌ای به آن بعد از حق انتساب ندارند، در حقوق ایران، این جنبه از حق به‌صراحت در مواد ۲۳ و ۲۴ قانون حمایت ۱۳۴۸ تصریح شده و بر این اساس، پدیدآورنده قادر است که مانع انتساب اثر به دیگران شود.

۱.۲.۲.۲.۱. عدم ذکر نام پدیدآورنده

پدیدآورنده در راستای اعمال حق انتساب خویش، قادر است آفریده خود را به صورت بی‌نام^{۲۴} عرضه نماید که بنابر نظر برخی^{۲۵} پذیرش چنین اختیاری برای پدیدآورنده «نتیجه آزادی بیان و آزادی آفرینش است» که برای او چنین امری را ممکن می‌سازد. در حقوق ایران، قانون‌گذار در باب صحت و پذیرش انتشار آثار بی‌نام تعیین تکلیف نکرده است، اما به‌نظر می‌توان با استناد به ماده ۱۸ قانون حمایت ۱۳۴۸ که در باب انتشار آثار با نام مستعار نیز اشاره شد، پذیرش آثار بی‌نام از سوی قانون‌گذار را استنباط نمود.

در حقوق انگلستان نیز انتشار آثار بی‌نام با منعی از جانب مقنن مواجه نیست و قانون‌گذار چنین آثاری را تحت حمایت خویش قرار داده است (ر.ک. بند ۳ ماده ۱۲ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ در باب مدت حمایت کپی‌رایت). بنابراین، پدیدآورنده خواهد توانست بدون اینکه شناسایی شود و نام خود را افشا نماید، آفریده خویش را عرضه کرده، از حمایت قانون بهره‌مند گردد.

در قوانین داخلی ایالات متحده آمریکا با توجه به اینکه از سویی، قانون‌گذار همچون آثار با نام مستعار، به تعریف آثار بی‌نام پرداخته و از سوی دیگر در مواد مختلفی به وضع مقررات راجع به این حقوق می‌پردازد (ر.ک. ماده ۳۰۲ از قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ ایالات متحده آمریکا)، مشخص می‌شود که انتشار آثار، بدون ذکر نام پدیدآورنده آن، از حمایت قانونی برخوردار است و برای پدیدآورنده از این حیث مانعی وجود ندارد.

۲۴. در ماده ۹ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان از آثار بی‌نام، با عنوان Unknown Authorship یاد می‌شود و در ایالات متحده آمریکا نیز مراد از اثر بی‌نام که در ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ تحت عنوان Anonymous Work مورد اشاره قرار گرفته، اثری است که «هیچ شخص حقیقی به‌عنوان خالق آن شناخته نشود».

۲۵. ستار زرکلام، پیشین، ص ۸۹.

۱.۲.۳. حق ادعای عدم پدیدآوردگی اثر

یکی از ابعاد سلبی حق انتساب، امتناع آفریننده از پذیرش پدیدآوردگی اثر است؛ خواه اثری که خود خلق کرده و خواه اثری که به غلط به او نسبت داده شده است. بر این اساس، دو حق برای آفریننده قابل شناسایی است که یکی از آنها با عنوان «حق انکار»^{۲۶} و دیگری با عنوان «حق مقابله با انتساب نادرست»^{۲۷} شناخته می‌شود که این قسمت به بررسی این موارد اختصاص یافته است.

الف) حق انکار یا رد پدیدآوردگی

حق انکار یا رد پدیدآوردگی در شرایطی است که آفریننده اثری را خلق نموده، همگان آگاه از نسبت وی با اثر هستند، اما بعدها تغییراتی در اثر ایجاد می‌شود که ارائه نام پدیدآورنده همراه اثر به آبرو و حیثیت وی لطمه خواهد زد؛ بنابراین، پدیدآورنده این حق را خواهد داشت که به‌طور کلی انتساب اثر به خود را انکار نماید^{۲۸}. لازم است توجه شود که در این مورد آفریننده زمانی حق انکار پدیدآوردگی را خواهد داشت که اثر به نحوی تغییر یابد که این تغییر به آبرو و شهرت وی لطمه بزند. بنابراین به‌نظر می‌رسد در صورت نبود این شرایط، پدیدآورنده نتواند از چنین حقی استفاده نماید. حق انکار یا رد پدیدآوردگی با تعریفی که ارائه شد، گرچه در حقوق ایران و انگلستان مورد اشاره قرار نگرفته، اما در قانون حقوق هنرمندان آثار بصری ۱۹۹۰ ایالات متحده آمریکا تصریح شده است. بر طبق ماده ۱۰۶ الف)، آفریننده یک اثر بصری قادر است مانع استفاده از نام خود به‌عنوان خالق اثری شود که به دلیل تحریف، ناقص و معیوب نمودن یا سایر تغییرات به‌وجودآمده در آن، شرافت و شهرت وی را در معرض خطر قرار دهد.

26. Right of Disavowal

عنوان فارسی و انگلیسی این جنبه از حق، از پژوهش یکی از نویسندگان داخلی (سید حسن شبیری زنجانی، «مطالعه تطبیقی مفهوم ماهیت حق انتساب اثر ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی»، تحقیقات حقوقی، ش ۷۹ (۱۳۹۶)) برگزیده شده است.

27. Right Against False Attribution

۲۸. سید حسن شبیری زنجانی، پیشین، ص ۲۵۹.

ب) حق مقابله با انتساب نادرست^{۳۹}

هنگامی که اثری به شخصی نسبت داده می‌شود که وی هیچ نقشی در خلق آن اثر نداشته است، حق مقابله با انتساب نادرست برای آن شخص ایجاد می‌شود. به عبارتی، منظور آن است که هر شخصی حق دارد با انتساب نادرست یک اثر ادبی و هنری به خود مقابله نماید.^{۳۰} البته باید توجه نمود که این حق صرفاً مختص پدیدآورنده نیست و این واقعه برای سایر اشخاصی غیر از پدیدآورندگان نیز ممکن است رخ دهد.^{۳۱} برخلاف نظام حقوقی ایران که در قوانین مرتبط با حقوق معنوی پدیدآورنده اشاره‌ای به حق مقابله با انتساب نادرست نشده است و به نظر سکوت قانون به معنای ممنوعیت اعمال آن از سوی آفرینندگان آثار فکری نیست، وضعیت در انگلستان و ایالات متحده آمریکا متفاوت است. قانون‌گذار انگلیسی در ماده ۸۴ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ با استفاده از عبارت «انتساب نادرست اثر»^{۳۲} به حق یادشده اشاره کرده، تصریح می‌نماید که هیچ‌کس حق ندارد به‌طور صریح یا ضمنی دیگری را به‌عنوان پدیدآورنده یا کارگردان اثری معرفی کند که نقشی در خلق آن نداشته است. در ایالات متحده آمریکا نیز قانون‌گذار در قانون حقوق هنرمندان آثار بصری ۱۹۹۰، استفاده از نام پدیدآورنده را در آثاری که نقشی در خلق آن نداشته، ممنوع نموده است.

۲. قلمرو حق انتساب

شناسایی قلمرو حق انتساب در قالب قلمرو شخصی، موضوعی و زمانی از جمله مباحث مهمی است که بررسی آن ضروری به‌نظر می‌رسد. زیرا تا زمانی که اشخاص، آثار بهره‌مند و مدت حمایت از این حق شناسایی نشده‌اند، امکان اجرای مطلوب این حق نیز وجود نخواهد داشت. بنابراین در این مبحث، ابتدا قلمرو شخصی حق انتساب بررسی خواهد شد و سپس قلمرو موضوعی و در نهایت قلمرو زمانی را از نظر خواهیم گذراند.

29. The Right Against False Attribution

۳۰. میلاد حامدی، حق مقابله با انتساب خلاف واقع در حقوق مالکیت ادبی و هنری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶، ص ۵۳.
 ۳۱. در قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان، از واژه «شخص» در مورد دارنده این حق استفاده شده است و لذا ظاهراً نمی‌توان آن را صرفاً مختص به پدیدآورندگان دانست، اما در قانون حقوق هنرمندان آثار بصری ۱۹۹۰، از واژه «پدیدآورنده» استفاده شده است و به نظر حق یادشده متعلق به آفرینندگان آثار می‌باشد، نه سایر اشخاص.

32. False Attribution of Work

۲.۱. قلمرو شخصی حق انتساب

مراد از مطالعه قلمرو شخصی حق انتساب، شناسایی اشخاص واجد شرایطی است که امکان استفاده از این حق را خواهند داشت. در حقوق ایران، انگلستان و امریکا، پدیدآورنده اثر و قائم‌مقامان عام وی اشخاص صالحی هستند که امکان بهره‌مندی از حق انتساب و اجرای آن را خواهند داشت. با این حال، شناسایی معنای دقیق پدیدآورنده و مصدق آن در آثار مختلف و همچنین نظریات ارائه‌شده در خصوص صلاحیت وراثت پدیدآورنده در باب بهره‌برداری از حق یادشده، بررسی عمیق‌تر و جزئی‌تر این گفتار را ضروری می‌سازد. لذا در ادامه به بررسی قلمرو شخصی حق انتساب خواهیم پرداخت.

۲.۱.۱. پدیدآورنده

پدیدآورنده^{۳۳} یا خالق اثر، نخستین دارنده حقوق ناشی از محصول فکری خود از جمله حق انتساب خواهد بود و قادر است در خصوص حقوق مالی و معنوی متعلق به اثر خود تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. او شخصی است که با استعانت از فکر و اندیشه خویش، اثری را می‌آفریند. در حقوق ایران تعریفی از پدیدآورنده مشاهده نمی‌شود و مقنن تنها در ماده ۱ قانون حمایت ۱۳۴۸، بدون ارائه تعریفی، مؤلف، مصنف و هنرمند را پدیدآورنده دانسته است.^{۳۴} در انگلستان در بند نخست از ماده ۹ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸، با ارائه یک تعریف ساده، پدیدآورنده شخصی دانسته شده که اثر را خلق نموده است و در ادامه قانون‌گذار تلاش کرده تا در آثار مختلف، پدیدآورندگان را معرفی نماید. در ایالات متحده امریکا گرچه در قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ تعریفی از پدیدآورنده مشاهده نمی‌شود، اما در رویه قضایی و رأی در سال ۱۸۴۶^{۳۵}، پدیدآورنده شخصی معرفی شده است که با بهره‌مندی از فکر و اندیشه خود ترکیب جدیدی را تولید و ارائه نماید.^{۳۶}

در مورد نقش وحدت و تعدد پدیدآورندگان در برخورداری آنها از حقوق معنوی، باید

33. Author

۳۴. برای بررسی نظریات ارائه‌شده در باب این سه عنوان و وجوه تمایز و شباهت آنها، ر.ک. اسدالله امامی، پیشین، صص ۱۲۶-۱۳۱.

35. Atwill v. Ferrett, Fed. Cas.No.640 (N.Y.Ct.Cl. 1846).

36. Christof Siefarth, *Motion Pictures in American and International Copyright Law*, University of Georgia School of Law, 1986, p. 36.

گفت که تعداد پدیدآورندگان تأثیری در این زمینه ندارد و پدیدآورنده که چه به صورت واحد و چه با همکاری با دیگر آفرینندگان مبادرت به خلق اثر می‌نماید، از حق انتساب بهره‌مند خواهد بود. بنابراین در آثاری که به واسطه همکاری چندین شخص پدید آمده است، همه این افراد عنوان پدیدآورنده را دارند و چنانچه تلاش آنها قابل تمییز و تشخیص از هم نباشد برای کل اثر و در صورت امکان تشخیص، علاوه بر حق انتساب کل اثر، از حق انتساب قسمتی که از سوی آنان خلق شده است نیز برخوردار خواهند بود. برای نمونه، حق انتساب آثار مشترک به صراحت در سه نظام حقوقی ایران، انگلستان و آمریکا پذیرفته شده است. بر اساس ماده ۶ قانون حمایت ۱۳۴۸ ایران، ماده ۱۰ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان و ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ ایالات متحده آمریکا، به آثاری که از همکاری چندین نفر به وجود آمده باشد و کار هریک از این اشخاص قابل انفکاک و تمایز از یکدیگر نباشد، اثر مشترک (Joint Works) گفته می‌شود. در حقوق ایران مطابق ماده ۶ قانون حمایت ۱۳۴۸، حقوق ناشی از یک اثر مشترک متعلق به همه آفرینندگان آن اثر دانسته شده است. از آنجا که واژه «حقوق» به کاررفته در ماده ۶ به نحو اطلاق استفاده شده، می‌توان نتیجه گرفت که تمامی حقوق مادی و معنوی حاصل از اثر به تمام آفرینندگان آن متعلق است و از این حیث محدودیتی وجود ندارد. در انگلستان و بر اساس بند نخست ماده ۸۸ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸، تمامی پدیدآورندگان یک اثر مشترک از حق انتساب برخوردار هستند و بند دوم ماده ۱۰۶ (الف) قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ آمریکا نیز حق انتساب خالقان این قسم از آثار را پذیرفته است؛ به‌ویژه که در همین ماده به صراحت امکان اعراض از حقوق معنوی موجود در ماده ۱۰۶ (الف) از سوی هریک از آفرینندگان آثار مشترک پذیرفته شده است.

۲.۱.۲. قائم‌مقامان عام پدیدآورنده

حقوق معنوی به علت پیوند تنگاتنگ با شخصیت پدیدآورنده، قابل انتقال به غیر نیست^{۳۷} و لذا یکی از ویژگی‌های شناخته‌شده حق انتساب در جایگاه یک حق معنوی، «عدم

۳۷. صمد حضرتی، حق معنوی مؤلف در حقوق ایران و اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰.

قابلیت انتقال» آن است که در قوانین داخلی ایران، انگلستان و امریکا مشاهده می‌شود.^{۳۸} سؤالی که ممکن است مطرح شود آن است که آیا عدم قابلیت انتقالی که در قوانین و مقررات این سه کشور مطرح شده، صرفاً ناظر بر عدم امکان انتقال ارادی این حق در زمان حیات پدیدآورنده است یا انتقال از طریق ارث و وصیت را نیز دربر می‌گیرد؟

در حقوق ایران در باب انتقال قهری حقوق معنوی پدیدآورنده، برخلاف انتقال ارادی یا قراردادی آن، اتفاق نظر وجود ندارد و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح است.^{۳۹} ممکن است استدلال شود که از سویی، اطلاق موجود در ماده ۴ قانون حمایت ۱۳۴۸ به‌صراحت بر عدم امکان انتقال حقوق معنوی از جمله حق انتساب تأکید دارد^{۴۰} و از سوی دیگر، وابستگی این حقوق به شخصیت پدیدآورنده، خود دلایلی روشن بر غیرممکن بودن انتقال حقوق معنوی پس از فوت خالق اثر است. حال آنکه برخی دیگر^{۴۱} با ارائه استدلال‌هایی، گرچه اصل حق را قابل انتقال نمی‌دانند و از این نظر تا اندازه‌ای با مخالفان انتقال قهری حقوق معنوی هم‌عقیده‌اند، اما اعمال و اجرای آن را قابل واگذاری به ورثه یا وصی پدیدآورنده دانسته، دلایلی نیز ارائه می‌نمایند. در همین راستا دلایل ارائه‌شده از سوی یکی از نویسندگان حقوقی^{۴۲} تا حد بسیاری نظر مطرح‌شده را تقویت می‌کند؛ به این شکل که اولاً از آنجا که ارتباط وثیقی میان شخصیت پدیدآورنده و اثرش وجود دارد، حمایت از شخصیت پدیدآورنده ایجاب می‌نماید که حقوق معنوی وی پس از مرگش نیز همچنان از جانب ورثه

۳۸. در ماده ۴ قانون حمایت ۱۳۴۸ و ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ ایران، ماده ۹۴ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان و ماده ۱۰۶ (الف) قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ ایالات متحده امریکا به عدم قابلیت انتقال حق انتساب اشاره شده است.

۳۹. برای مشاهده نظر فقها در باب انتقال قهری و قراردادی حقوق مؤلف، ر.ک. علی امینی‌نژاد و سید حسین صفایی، «تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حقوق معنوی مؤلف»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۷ (۱۳۹۶)، صص ۳۲-۳۴.

۴۰. سعید محسنی و سید محمد مهدی قبولی درافشان، حقوق ادبی و هنری (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و مصر)، (مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۱۳۹۴)، ص ۱۷۰.

۴۱. امیر صادقی نشاط، حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۹)، ص ۱۱۰؛ سید حسن میرحسینی، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، (تهران: نشر میزان، چ ۹، ۱۳۹۹)، ص ۲۶۲؛ ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۹۳، ۱۳۹۳)، ص ۳۰۱؛ علیرضا نوروزی، حقوق مالکیت فکری:

حق مؤلف و مالکیت صنعتی، (تهران: چاپار، چ ۱، ۱۳۸۱)، صص ۵۷-۵۸؛ صمد حضرتی، پیشین، ص ۶۸.

۴۲. سید حسین صفایی، «مالکیت ادبی و هنری»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷ (۱۳۵۰)، ص ۱۲۶.

یا وصی منصوب از جانب او اعمال شده، از خطرها مصون بماند. ثانیاً ماده ۴ قانون حمایت ۱۳۴۸ که بر دائمی بودن حقوق معنوی پدیدآورنده تأکید دارد، دلیلی بر این ادعاست که حقوق معنوی پدیدآورنده پس از مرگش باقی است و لذا چه کسی بهتر از ورثه یا وصی منصوب از جانب او که عهده‌دار حمایت و پاسداری از حقوق اثر باشد؟! ثالثاً از ماده ۲۶ همین قانون می‌توان استنباط نمود که حقوق معنوی پدیدآورنده پس از فوت وی تداوم یافته، ورثه یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان حافظ و نگهبان این حق عمل می‌نمایند. همچنین در تقویت این دیدگاه می‌توان استدلال نمود که اگر اصل حقوق معنوی همچون حق انتساب قابل انتقال به ورثه باشد، آنها قادر بر عرضه اثر به نام خود خواهند بود؛ درحالی که به‌نظر نمی‌رسد این امر صحیح باشد و تعرض به حقوق پدیدآورنده محسوب می‌شود. بنابراین، می‌بایست همراه با کسانی که ورثه را ملزم به حفظ مصلحت مورث و ترجیح آن بر مصلحت خود می‌دانند، قائل بر عدم امکان انتقال قهری اصل این حقوق شد، اما همچنان می‌توان بر اجرای این حقوق از سوی جانشینان پدیدآورنده تأکید نمود؛ چراکه اجرا و پاسداری از حق پدیدآورنده با شخصیت وی منافاتی نخواهد داشت.^{۴۳}

در حقوق انگلستان، برخلاف حقوق مالی، حقوق معنوی پدیدآورنده در زمان حیات وی قابل واگذاری به صورت ارادی نیست.^{۴۴} با این حال، احکامی در ماده ۹۵ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ در مورد وصیت و انتقال این حقوق به هنگام مرگ قابل مشاهده است. بر اساس ماده پیش‌گفته، حق انتساب از جمله حقوقی است که می‌توان به‌طور خاص وصیت نمود. اگر چنین وصیتی وجود نداشته باشد، اما حق کپی‌رایت اثر موردنظر بخشی از دارایی پدیدآورنده محسوب گردد، حق یادشده به شخصی تعلق خواهد گرفت که کپی‌رایت یا حقوق انحصاری اثر به وی تعلق می‌گیرد و اگر هیچ‌یک از این شرایط موجود نباشد، در نهایت حق انتساب از سوی نمایندگان شخصی پدیدآورنده قابل اعمال خواهد بود. گفتنی است که بر طبق بند ۵ ماده ۹۵ حق مقابله با انتساب نادرست به صورت ویژه بعد از مرگ پدیدآورنده از جانب

۴۳. سعید محسنی و سید محمد مهدی قبولی درافشان، پیشین، صص ۱۷۱-۱۷۳.

44. Simon Stokes, *Art and Copyright*, (North America: Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon, 2001), p. 69.

نمایندگان شخصی وی قابلیت اعمال خواهد داشت.^{۴۵}

در ایالات متحده آمریکا نیز همچون ایران و انگلستان، با اینکه طبق ماده ۱۰۶(الف) قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶، انتقال ارادی حق انتساب در زمان حیات پدیدآورنده ممنوع شده است، اما در باب وراثت احتمالی وراث پدیدآورنده و وضعیت حقوق معنوی پس از مرگ وی مطلبی مشاهده نمی‌شود و در همین راستا برخی نویسندگان امریکایی^{۴۶} بر این باورند که با توجه به سکوت قانون، پدیدآورندگان چاره‌ای جز توسل به قوانین ایالات ندارند؛ چراکه در برخی ایالت‌ها حفاظت از حقوق معنوی پدیدآورندگان پس از فوت پدیدآورنده از سوی وراثت به رسمیت شناخته شده است. با این حال، به نظر می‌رسد با ارائه استدلال‌هایی می‌توان پذیرش انتقال قهری و کوتاه‌مدت حقوق معنوی به وراثت پدیدآورنده را از ماده ۱۰۶(الف) استنباط نمود. البته با توجه به اینکه قوانین آمریکا تصریحی در این باب ندارند، ضروری است با یک تفسیر مضیق صرفاً وظیفه اعمال حق انتساب و حفاظت از آن بر طبق خواسته‌ها و مصلحت پدیدآورنده را به وراثت و نمایندگان شخصی وی قابل واگذاری دانست. در واقع، از آنجا که در برخی موارد و بسته به شرایط آفرینش فکری، حمایت از حقوق معنوی اثر در آمریکا تا ۷۰ سال پس از مرگ خالق استمرار می‌یابد، می‌توان نتیجه گرفت که حق انتساب پس از مرگ خالق اثر نیز ولو برای مدت محدودی تحت حمایت قانون کپی‌رایت این کشور قابلیت اعمال خواهد داشت. البته قانون‌گذار در مورد اشخاص صالح در جهت اعمال این حق سکوت کرده است و مشخص نیست که چه کسانی صالح به اعمال حق یادشده هستند که به نظر بتوان همان افرادی را که صلاحیت تصمیم‌گیری در باب حقوق مالی اثر پس از مرگ پدیدآورنده را دارند، به‌عنوان دارنده حق یادشده تلقی نمود که از آن جمله می‌توان به وراثت پدیدآورنده اشاره کرد.^{۴۷}

45. Sheila J. McCartney, *op. cit.*, pp. 225-226.

46. Joashim Pierer, "Authors' Moral Rights After Death: The Monistic Model of German Law, Austrian Law and the Revised Berne Convention", *University of Vienna Law Review*, vol. 3 (2019), pp. 30-31.

۴۷. برای مشاهده نظر موافق، رک. الناز نهلوندی، قواعد ویژه آثار مشترک ادبی و هنری در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۴، ص ۷۱.

۲.۲. قلمرو موضوعی حق انتساب

در این قسمت، به شناسایی آثاری خواهیم پرداخت که به صورت مشترک در حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده آمریکا دارای حق انتساب بوده و سه نظام حقوقی یادشده از این جهت مشابه‌اند.

۲.۲.۱. آثار ادبی^{۴۸}

در برخی سیستم‌های حقوقی از جمله انگلستان و ایالات متحده آمریکا، دسته خاصی از آثار با عنوان «آثار ادبی» قابل مشاهده است که با تفاوت‌هایی در مفهوم ارائه‌شده از آن، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در یک نگاه کلی، آثار ادبی به آن دسته از آثاری اطلاق می‌شود که «صرف‌نظر از کیفیت آن، به صورت چاپی و یا نوشتاری عرضه می‌گردد»^{۴۹} و گرچه این آثار با عنوان آثار ادبی شناخته می‌شوند، اما هیچ نوع شایستگی ادبی برای این دسته از آثار الزامی نیست. به بیان دیگر، ضرورتی به ارتباط این آثار با حوزه ادبیات وجود ندارد.^{۵۰} در حقوق انگلستان آثار یادشده مورد حمایت قانون کپی‌رایت واقع شده‌اند. در بند نخست از ماده ۳ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان می‌توان مفهوم آثار ادبی از دید قانون‌گذار را مشاهده نمود. طبق این ماده، آثار ادبی به آثار غیرنمایشی و غیرموسیقایی اطلاق می‌گردد که به صورت نوشتاری و یا شفاهی ارائه شده، شامل جدول‌ها، مجموعه‌ها، برنامه‌های رایانه‌ای، برنامه‌های طراحی مقدماتی نرم‌افزار^{۵۱} و پایگاه داده^{۵۲} می‌باشند. بنابراین، آثار نوشتاری که بسته به موقعیت‌های مختلف ممکن است به صورت شفاهی نیز ارائه گردد، پایه اصلی این آثار را تشکیل می‌دهد. در همین راستا برخی^{۵۳} معتقدند که آفرینش‌های ادبی در حقوق انگلستان دربرگیرنده آثاری همچون جدول‌های ریاضی، برگه‌های امتحانی و یا حتی

48. Literary Works

49. Claire Howell & Benjamin Farrand, *Intellectual Property Law*, (United Kingdom: Person Education Limited, 2017), p. 8.

50. R. Mark Halligan & Others, *Intellectual Property Law*, (United State: Illinois Institute for Continuing Legal Education, 2017), p. 397.

51. Preparatory Design Material for a Computer Program

52. Database

53. Catherine Colston & Jonathan Calloway, *Modern intellectual property law*, (Taylor & Francis, 2010), p. 298; *Intellectual Property Law*, (London: Cavendish Publishing Limited, 2002), p. 63.

نامه‌های خصوصی و یادداشت‌های حین سخنرانی نیز خواهد بود. در ماده ۱۰۱ از قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ ایالات متحده آمریکا نیز آثار ادبی به آثاری گفته می‌شود که متمایز از آثار سمعی و بصری بوده، صرف‌نظر از شکل ارائه، به واسطه کلمات، اعداد و یا سایر نمادها یا نشانه‌های کلامی و عددی ارائه می‌شوند؛ لذا این تعریف نه تنها شامل آثار ادبی جدی می‌شود که یک وبلاگ اینترنتی، برنامه رایانه‌ای و یا پایگاه داده را هم دربر می‌گیرد.^{۵۴}

در قانون حمایت ۱۳۴۸ ایران، در تقسیم‌بندی آثار مورد حمایت، عنوان «آثار ادبی» به‌طور مستقل و با آن شکلی که در سایر نظام‌های حقوقی استفاده شده است وجود ندارد. با این حال، قانون‌گذار در بند نخست از ماده ۲ به «نوشتۀ ادبی» اشاره کرده است که گرچه مراد مقنن از واژه «ادبی» مشخص نیست، اما به‌نظر می‌رسد مقصود از کاربرد این واژه، نوشته‌های مرتبط با حوزه ادبیات است و قانون‌گذار در صدد بیان این نکته بوده که آثار مکتوب و نوشتاری در موضوعات مختلف از جمله حوزه ادبیات، تحت حمایت قانون ۱۳۴۸ است. بنابراین در حقوق ایران، آثاری با عنوان آثار ادبی با آن تعریف و قالب خاصی که از آن در دو سیستم حقوقی دیگر ارائه شده است، وجود ندارد. با این همه، قانون‌گذار ایرانی در قوانین مختلف و به صورت پراکنده حمایت از مصادیق آثار ادبی از جمله آثار نوشتاری را که در انگلستان و ایالات متحده آمریکا معرفی شده، پذیرفته است (بندهای ۱ و ۲ ماده ۲ قانون حمایت ۱۳۴۸) و برای برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده هم با ارائه استدلال‌هایی می‌توان حمایت از آنها را استنباط نمود. توضیح بیشتر آنکه گرچه در قوانین داخلی، عناوین برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده و یا تعریفی از آنها مشاهده نمی‌شود، با این حال نمی‌توان این آثار را از حمایت قوانین، به‌ویژه قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹، بی‌بهره دانست. لذا در باب برنامه‌های رایانه‌ای، گرچه در قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ صرفاً از نرم‌افزارهای رایانه‌ای حمایت شده، اما در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی این قانون، نرم‌افزار رایانه‌ای مجموعه‌ای از برنامه‌های رایانه‌ای و ... دانسته شده است که بر روی یکی از حامل‌های رایانه‌ای ضبط شده باشد. بنابراین، گرچه میان نرم‌افزار و برنامه رایانه‌ای تفاوت‌هایی وجود دارد، اما از آنجا که اولاً امروزه این برنامه‌ها

در بیشتر کشورها تحت حمایت است و اصولاً هم میان این دو مورد تفاوتی قائل نیستند و ثانیاً در قانون ۱۳۷۹ برنامه رایانه‌ای جزئی از نرم‌افزار دانسته شده و ثالثاً در ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ نیز به اثر یادشده اشاره گردیده است و با شرایطی مورد حمایت قوانین مرتبط با حقوق مؤلف از جمله قانون حمایت ۱۳۴۸ قرار گرفته‌اند، به نظر می‌رسد برنامه‌های رایانه‌ای در کنار نرم‌افزارها از حمایت قوانین داخلی برخوردار خواهند بود.^{۵۵} در مورد پایگاه داده نیز گرچه همچون برنامه رایانه‌ای در قانون حمایت ۱۳۴۸ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ مطلبی مشاهده نمی‌شود، اما در ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ نیز همچون برنامه‌های رایانه‌ای به اثر یادشده اشاره شده و با شرایطی مورد حمایت قوانین مرتبط با حقوق مؤلف از جمله قانون حمایت ۱۳۴۸ قرار گرفته است. در همین راستا، برخی نویسندگان داخلی^{۵۶} به جهت اثبات امکان حمایت از پایگاه داده در حقوق داخلی، معتقدند از آنجا که پایگاه داده مجموعه‌ای از مواد از قبیل تهیه‌شده می‌باشد و ترکیب این موارد همواره با خلاقیت و نوآوری همراه است، پایگاه داده را می‌توان در ذیل بند ۱۲ ماده ۲ قانون حمایت ۱۳۴۸ به عنوان یک اثر ترکیبی قابل حمایت دانست.

در حقوق انگلستان نیز بر اساس ماده ۷۷ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ آثار ادبی با همان مفهومی که از آن ارائه گردید، دارای حق انتساب‌اند که البته در این خصوص می‌بایست برنامه‌های رایانه‌ای و آثار تولیدشده از طریق رایانه و برخی آثار نوشتاری همچون روزنامه و مجله را بنابه صراحت ماده ۷۹ این قانون از بهره‌مندی از حق انتساب استثنا نمود. در مورد ایالات متحده آمریکا گرچه آثار ادبی بر اساس ماده ۱۰۲ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ تحت حمایت کپی‌رایت هستند، با این حال در ماده ۱۰۶ (الف) این قانون که به حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار بصری اختصاص دارد، به حق انتساب آثار ادبی و اقسام آن اشاره نشده است. اما باید اذعان نمود که عدم ذکر آثار ادبی در این ماده، به معنای محرومیت

۵۵. رک. ستار زرکلام و محمدحسن محوری، حمایت‌های حقوقی از پدیدآورندگان نرم‌افزار، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ج ۱، ۱۳۹۴)، صص ۱۲-۱۳.

۵۶. محمود صادقی و علی طهماسبی، «درآمدی بر حمایت از حقوق پدیدآورنده‌ی پایگاه داده»، ققه و حقوق، ش ۱۳ (۱۳۸۶)، ص ۱۳۳.

آفرینندگان این آثار از حق بر نام خویش نیست و از آنجا که این آثار در مجموع تحت حمایت کپی‌رایت قرار دارند، خالقان این آفرینش‌های فکری قادرند با مراجعه به سایر راه‌های حمایتی از جمله قوانین ایالات و شبه‌جرم‌های کامن‌لای، از حق انتساب خویش محافظت نمایند.

۲.۲.۲. آثار هنری

عنوان «آثار هنری»^{۵۷} که در ماده ۴ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ استفاده شده است، در قوانین قوانین ایران و آمریکا مشاهده نمی‌شود. با وجود این، مصادیق آن در این دو سیستم حقوقی پذیرفته شده است که خود بررسی تطبیقی وضعیت حق انتساب این آثار را ممکن می‌سازد.

در قانون کپی‌رایت انگلستان، گرچه اثر هنری و اقسام آن تحت حمایت قرار گرفته است، اما همچون آثار ادبی و موسیقایی تعریفی از این آثار و بیان شاخص‌هایی در جهت شناخت آنها مشاهده نمی‌شود. با این حال، برخی^{۵۸} معتقدند اثر هنری به اثری اطلاق می‌گردد که با هر وسیله‌ای قابلیت به تصویر کشیده شدن و نمایش داده شدن داشته باشد؛ از همین رو در پرونده *ایتترلگو علیه تایکو/یندستریز*^{۵۹}، قاضی جوهره یک اثر هنری را در اهمیت بصری آن دانسته است. بنابراین در ماده ۴ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان، آثاری از قبیل آثار گرافیکی، عکاسی و مجسمه، صرف‌نظر از کیفیت آنها و همچنین اثر معماری به شکل یک ساختمان و یا مدلی از آن، آثار هنری دانسته شده‌اند. لازم به ذکر است که در ذیل آثار گرافیکی نیز آثاری از قبیل طراحی، نقاشی، نقشه‌کشی، حکاکی و... جای می‌گیرند. در انگلستان مطابق ماده ۷۷ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸، تمامی اقسام آثار هنری دارای حق انتساب بوده، از این جهت محدودیتی وجود ندارد. بنابراین تمامی آثاری که در ماده ۴ این قانون به‌عنوان آثار هنری معرفی شده‌اند از حق انتساب بهره‌مند خواهند بود.

در ایالات متحده آمریکا نیز بر اساس بندهای ۵ و ۸ ماده ۱۰۲ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ این کشور، آثار مصور، گرافیکی، مجسمه و معماری مورد حمایت قرار گرفته‌اند. در آمریکا

57. Artistic Works

58. Catherine Colston & Jonathan Calloway, *op. cit.*, p. 305.

59. *Interlego v Tyco Industries*

تنها قانون فدرالی که برای نخستین بار و به‌طور صریح و کامل از حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری از جمله حق انتساب حمایت می‌نماید، قانون حقوق هنرمندان آثار بصری ۱۹۹۰ می‌باشد که در ماده ۱۰۶ (الف) قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ جای گرفته است. مطابق ماده یادشده، صرفاً پدیدآورندگان آثار بصری یا همان آثار تجسمی قادرند در صورت نقض حق خویش و نیز وجود شرایط مدنظر، از این قانون به‌عنوان یک ابزار قوی برای احقاق حق خود استفاده نمایند. بنابراین دعاوی آفرینندگان سایر آثار همچون آثار ادبی و یا موسیقایی در استناد به این قانون برای دفاع از حق خویش قابل استماع نخواهد بود. گفتنی است، طبق ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶، آثار بصری عبارت‌اند از طراحی، نقاشی، چاپ (همچون لیتوگرافی)، مجسمه و تصاویر عکاسی تهیه‌شده برای مقاصد نمایشگاهی.^{۶۰}

در ایران نیز طبق بندهای ۵ تا ۹ قانون حمایت ۱۳۴۸، همچون ایالات متحده بدون اشاره به عنوان آثار هنری، آثاری از قبیل نقاشی، طراحی، آثار تجسمی، معماری، عکاسی و هنرهای دستی به صورت مجزا مورد حمایت قرار گرفته است و از این رو، در بهره‌مندی آفرینندگان این آثار از حق انتساب تردیدی وجود ندارد.

۳.۲.۲. آثار موسیقایی^{۶۱}

آثار موسیقایی با کلام و یا بدون کلام از جمله آثاری هستند که مورد حمایت بسیاری از سیستم‌های حقوقی واقع شده‌اند. در تعریف موسیقی، آن را مجموع اصواتی دانسته‌اند که برابر نت‌ها تنظیم شده، به‌واسطه ابزار و آلات موسیقی ظهور می‌یابد و سه عنصر اساسی آن عبارت‌اند از: ملودی، هارمونی و ریتم.^{۶۲} برخلاف قوانین ایران و ایالات متحده آمریکا که تعریفی از این دسته از آثار ارائه نکرده‌اند، در حقوق انگلستان و برابر با ماده ۳ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸، اثر موسیقایی اثری است که جدای از هر کلمه یا عملی که قرار است همراه با موسیقی خوانده، گفته و یا اجرا شود، از نت‌های موسیقی تشکیل شده است. در انگلستان

60. Richard J. Hawkins, "Substantially Modifying the Visual Artists Rights Act: A Copyright Proposal for Interpreting the Act's Prejudicial Modification Clause", *UCLA Law Review*, vol. 55 (2008), pp. 1446-1447.

61. Musical works

۶۲. اسدالله امامی، پیشین، ص ۱۱۸.

و بر طبق همان ماده ۳، علاوه بر اینکه اثر موسیقایی از حقوق مادی برخوردار است، مقنن به‌طور مجزا در ماده ۷۷ همین قانون، حق انتساب را به‌عنوان یک حق معنوی برای خالقان این آثار به رسمیت شناخته است. در ایالات متحده آمریکا، بر طبق بند ۲ ماده ۱۰۲ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶، آثار موسیقایی مورد حمایت مادی قانون کپی‌رایت واقع شده، اما در باب حقوق معنوی در ماده ۱۰۶ (الف) این قانون اشاره‌ای به آثار موسیقایی نشده و از این رو آفرینندگان این آثار از حمایت این قانون در باب حق انتساب خود بی‌بهره‌اند و لازم است برای حفاظت از حق خویش به سایر منابع حمایتی مراجعه نمایند.^{۶۳} در حقوق ایران نیز آثار موسیقایی با استناد به بند ۴ قانون حمایت ۱۳۴۸ مورد حمایت مادی و معنوی قانون پیش‌گفته واقع شده است و آفرینندگان این آثار قادرند از حق بر نام و عنوان خویش دفاع نمایند.

۲.۲.۴. آثار نمایشی^{۶۴}

آثار نمایشی به آثاری اطلاق می‌گردد که صرف‌نظر از هر آوا و یا نوایی که در آن استفاده شود، مقتضای ذات آن، اجرا (Performance) است. از این رو، مطابق با نظر پیش‌گفته، در رأی^{۶۵} که در سال ۲۰۰۰ و در دادگاه‌های انگلستان صادر شد، آثار نمایشی به آثاری گفته می‌شود که قابلیت اجرا در مقابل عموم مردم را داشته باشد.^{۶۶} در انگلستان گرچه تعریفی قانونی از این دسته از آثار وجود ندارد، اما در بند نخست از ماده ۳ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ این آثار مورد حمایت واقع شده و از اقسام آن به رقص و پانتومیم اشاره شده است. البته موارد یادشده حصری نبوده و علاوه بر رقص و پانتومیم، فیلم هم جدای از فیلم‌نامه‌ای که در آن استفاده شده است، یک نوع اثر نمایشی محسوب می‌شود.^{۶۷} در ایالات متحده آمریکا با استناد به بند ۳ ماده ۱۰۲ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶، آثار نمایشی تحت حمایت سیستم کپی‌رایت قرار گرفته است. گرچه هیچ تعریف قانونی از اثر یادشده موجود نیست، اما در رویه

63. Tanja Makovec Petrik, "Moral Rights of Composers: The Protection of Attribution and Integrity Available to Musicians in the European Union and the United States", *Fordham Intell. Prop. Media & Ent. L.J.*, vol. 22 (2012), p. 369.

64. Dramatic Works

65. *Norowzian v Arks Ltd* [2000] FSR 363, CA

66. *Intellectual Property Law*, p. 64.

67. Claire Howell & Benjamin Farrand, *op. cit.*, p. 9.

قضایی این کشور تعاریفی از این دسته آثار می‌توان یافت. در همین راستا آثاری چون آثار سینمایی، اپرا، فیلم‌ها، برنامه‌ها و نمایش‌های تلویزیونی به‌عنوان قسمی از آثار نمایشی شناخته می‌شوند.^{۶۸} در قوانین ایران، گرچه عنوان آثار نمایشی قابل مشاهده نیست، اما واژه یادشده چندان غریب نیست، تا آنجا که یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل هنرهای نمایشی کشور است.^{۶۹} در خصوص پذیرش مصادیق آثار نمایشی در ایران، بند ۳ ماده ۲ قانون ۱۳۴۸، آثار سمعی و بصری را به جهت اجرا در صحنه‌های نمایش، سینما و تلویزیون مورد حمایت قرار داده است که همین بند را می‌توان نشانه‌ای از پذیرش حمایت از آثار نمایشی از جمله آثار تلویزیونی و سینمایی در ایران دانست. البته برخلاف انگلستان و آمریکا، پانتومیم و رقص مورد حمایت صریح قانون واقع نشده‌اند. در خصوص وضعیت حمایت از این آثار، به نظر مشکلی در حمایت از پانتومیم به‌عنوان یک اثر نمایشی وجود ندارد و آفرینندگان این آثار همچون سایر هنرمندان قادرند از اجرای خویش محافظت نمایند. اما در مورد رقص، نتیجه‌گیری به این سادگی نیست و به‌نظر با توجه به پیشینه مذهبی کشور ایران و عدم حمایت از امور نامشروع و غیرقانونی به جهت مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه، رقص را نمی‌توان به‌عنوان یک اثر فکری، مورد حمایت حقوق داخلی ایران و برخوردار از حق انتساب دانست.^{۷۰}

در انگلستان و ایالات متحده آمریکا آثار پیش‌گفته از حق انتساب بهره‌مند هستند. البته این آثار تحت حمایت مستقیم قانون کپی‌رایت ایالات متحده و ماده ۱۰۶ (الف) نیستند، اما مراجعه به سایر راه‌های حمایتی همچنان ممکن است و از این جهت مانعی وجود ندارد. در حقوق ایران نیز با توجه به مطالبی که پیش‌تر بیان شد، به جز رقص، سایر آثار نمایشی از جمله آثار تلویزیونی و سینمایی، پانتومیم، تئاتر و... مورد حمایت قانون ۱۳۴۸ بوده، از حق انتساب برخوردار است.

68. R. Mark Halligan & Others, *op. cit.*, p. 397.

69. <https://theater.farhang.gov.ir/>

۷۰. برای مطالعه جایگاه نظم عمومی و اخلاق حسنه در حمایت از آثار فکری، ر.ک. سعید محسنی و سید محمد مهدی قبولی درافشان، پیشین، صص ۶۳-۷۱.

۳.۲. قلمرو زمانی حق انتساب

در قلمرو زمانی حق انتساب، هدف بررسی مدت حمایت از این حق در حقوق داخلی ایران، انگلستان و امریکا است. مطالعات صورت‌گرفته نشان از آن دارد که در حقوق ایران مقنن با تصریح در ماده ۴ قانون حمایت ۱۳۴۸، ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ و نیز ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اخیر، حمایت از حق انتساب پدیدآورنده را محدود به زمان نمی‌داند و چه در حیات وی و چه پس از آن، قانون مکلف به حمایت است. برخلاف ایران، در حقوق انگلستان و امریکا، قانون‌گذار از این حق به‌طور موقت حمایت نموده است. در بندهای ۱ و ۲ ماده ۸۶ قانون کپی‌رایت ۱۹۸۸ انگلستان، مدت حمایت از حق انتساب، برابر است با مدت زمان حمایت از حقوق مالی اثر، و مدت حمایت از حق مقابله با انتساب نادرست که در ماده ۸۴ همین قانون معرفی شده است، ۲۰ سال پس از فوت خالق اثر خواهد بود. مدت حمایت از حقوق معنوی در ایالات متحده امریکا نیز بسته به مورد متفاوت بوده، بر اساس ماده ۱۰۶(الف)، حقوق معنوی آثار بصری یا تجسمی که قبل از سال ۱۹۹۰ خلق شده‌اند، تا پایان مدت حمایت از حقوق مالی اثر، یعنی ۷۰ سال پس از مرگ خالق، قابل حمایت خواهند بود و آثاری که بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون حقوق هنرمندان آثار بصری در سال ۱۹۹۰ ایجاد شده‌اند، فقط در طول مدت عمر خالق حمایت خواهند شد. یادآوری این نکته ضروری است که این احکام مختص آثار بصری بوده، در مورد سایر آثار، قانون کپی‌رایت این کشور تصریحی ندارد و می‌بایست بسته به مورد، به سایر منابع حقوقی مراجعه و حکم مسئله را پیدا نمود.

نتیجه

حق انتساب، حق محافظت از نام و عنوان پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری، از دو بُعد تشکیل شده است؛ ایجابی و سلبی. مراد از بُعد ایجابی، اقداماتی است که موجب شناسایی پدیدآورنده می‌شود. درج نام واقعی یا مستعار پدیدآورنده در اثر و افشای نام پدیدآورنده در آثاری که پیش از این بدون نام و یا با نام مستعار عرضه شده‌اند، بُعد ایجابی حق یادشده را تشکیل می‌دهد. در بُعد سلبی نیز پدیدآورنده علاوه بر امکان انتشار اثر به صورت بی‌نام، قادر است از انتساب نادرست اثر خویش به دیگران نیز جلوگیری نماید. در همین راستا وی

می‌تواند از درج نام خود در آثاری که از سوی وی خلق شده، اما به سبب تغییرات ایجادشده در اثر، انتشار آن همراه نام وی به شهرت او آسیب می‌زند نیز جلوگیری نماید. علاوه بر این موارد، پدیدآورنده قادر است از درج نام خود در اثری که شخص دیگری آن را آفریده و به غلط به او منتسب شده است هم ممانعت به عمل آورد. در قوانین داخلی ایران با اینکه مفهوم کلی این حق پذیرفته شده است، اما به‌غیر از آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ که صراحتاً به عنوان «حق انتساب» اشاره نموده، در هیچ قانون دیگری از عنوان مستقلی برای معرفی این حق استفاده نشده و قانون‌گذار در خلال مواد مختلف بر حمایت از نام پدیدآورندگان تأکید کرده است. در مورد پذیرش ابعاد مختلف این حق نیز تنها به حق درج نام پدیدآورنده در اثر و توانایی او در جلوگیری از انتساب نادرست اثر خویش به دیگران اشاره شده است. از این رو، شایسته است قانون‌گذار با اصلاح قوانین، علاوه بر شناسایی صریح حق انتساب پدیدآورندگان، ابعاد مختلف آن را نیز تبیین نماید. برخلاف ایران، در انگلستان و امریکا نه‌تنها برای معرفی این حق از عناوین مستقلی استفاده شده، که قانون‌گذار تلاش کرده است تا ابعاد مختلف آن را نیز شناسایی نماید. از این رو، بر اساس قوانین این دو نظام حقوقی، پدیدآورنده در کنار نام واقعی، مجاز به انتشار اثر با نام مستعار و یا به صورت بی‌نام و استفاده از سایر ابعاد ایجابی و سلبی خواهد بود.

قلمرو حق انتساب در قالب قلمرو شخصی و موضوعی و زمانی بررسی گردید و نتایج حاکی از آن است که در قلمرو شخصی حق انتساب و شناخت اشخاص برخوردار از این حق، پدیدآورنده اثر، نخستین فردی است که مجاز به اعمال این حق است. سپس قائم‌مقامان عام وی از اشخاص صالح در برخورداری از حق یادشده هستند، ولی صلاحیت آنان مطلق و بی‌قید و شرط نبوده، لازم است که منافع پدیدآورنده را در نظر بگیرند و برخلاف آن اقدامی نکنند. در این مورد، میان ایران، انگلستان و امریکا تفاوت و اختلاف نظری مشاهده نمی‌شود؛ با این حال، ضروری است قانون‌گذار ایرانی با بازنگری در قانون، اشخاص صالح جهت برخورداری از این حق را مشخص کرده، به اختلاف نظرها به‌ویژه در مورد صلاحیت وراثت پدیدآورندگان پایان دهد. در مورد قلمرو موضوعی حق انتساب و شناسایی آثار مشترک بهره‌مند از این حق، آثار مورد حمایت در حقوق ایران، انگلستان و امریکا به چهار دسته آثار

ادبی، هنری، نمایشی و موسیقایی تقسیم می‌شوند که با تفاوت‌های اندکی تحت حمایت قوانین داخلی هر سه نظام حقوقی قرار دارند. در باب مدت حمایت از حق انتساب نیز حمایت از حق یادشده در ایران دائمی و بدون محدودیت زمانی است، حال آنکه حمایت از این حق در انگلستان و ایالات متحده آمریکا موقت و محدود به زمان می‌باشد.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- کتابها

۱. امامی، اسدالله (۱۳۹۹). *حقوق مالکیت معنوی*، تهران: نشر میزان.
۲. زرکلام، ستار (۱۳۹۸). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳. زرکلام، ستار و محوری، محمدحسن (۱۳۹۴). *حمایت‌های حقوقی از پدیدآورندگان نرم‌افزار*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۴. صادقی نشاط، امیر (۱۳۸۹). *حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری*، تهران: نشر میزان.
۵. کرنو، ماری، دولامبرتوری، ایزابل، سیرنلی، پیر و والر، کاترین (۱۳۹۰). *فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت*، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی و پژمان محمدی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۶. گرباود (۱۳۸۰). *الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی‌رایت)*، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران: خانه کتاب.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۴). *حقوق ادبی و هنری (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و مصر)*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.
۹. میرحسینی، سید حسن (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، تهران: نشر میزان.
۱۰. نوروزی، علیرضا (۱۳۸۱). *حقوق مالکیت فکری: حق مؤلف و مالکیت صنعتی*، تهران: چاپار.

- مقاله‌ها

۱۱. امینی‌نژاد، علی و صفایی، سید حسین (۱۳۹۶). تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*. ۱۳(۴۷)، ۴۸-۲۷.
Doi:10.22034/ijrj.2017.530232
۱۲. انصاری، باقر (۱۳۸۶). شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت). *تحقیقات حقوقی*. ۱۰(۴۵)، ۹۷-۱۵۲.
۱۳. شبیری زنجانی، سید حسن (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی مفهوم و ماهیت حق انتساب اثر ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی. *تحقیقات حقوقی*. ۲۰(۷۹)، ۲۷۲-۲۳۹.
Doi:10.22034/jlr.2017.54395
۱۴. صادقی، محمود و طهماسبی، علی (۱۳۸۶). درآمدی بر حمایت از حقوق پدیدآورنده پایگاه داده. *فقه و حقوق*. ۴(۱۳)، ۱۵۲-۱۳۱.
۱۵. صفایی، سید حسین (۱۳۵۰). مالکیت ادبی و هنری. *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. ۷(۰)، ۱۳۲-۱۰۹.
۱۶. مظهر قراملکی، علی، قدرتی، فاطمه و نظری توکلی، سعید (۱۳۹۳). معناسازی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*. ۵(۹)، ۱۹۰-۱۶۱.
۱۷. میرشمسی، محمدهادی و حامدی، میلاد (۱۳۹۹). تحلیل رویه عملی نظام کپی‌رایت راجع به حقوق معنوی. *پژوهش حقوق خصوصی*. ۹(۳۲)، ۱۸۸-۱۵۵.
Doi:10.22054/jplr.2020.41847.2208

- پایان‌نامه‌ها

۱۸. حامدی، میلاد (۱۳۹۶). *حق مقابل با انتساب خلاف واقع در حقوق مالکیت ادبی و هنری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۹. حضرتی، صمد (۱۳۷۸). حق معنوی مؤلف در حقوق ایران و اسلام و کنوانسیون‌های بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸.
۲۰. نهایندی، الناز (۱۳۹۴). قواعد ویژه آثار مشترک ادبی و هنری در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

ب) منابع انگلیسی

-Books

21. Colston, C. & Calloway, J. (2010). *Modern Intellectual Property Law*, Taylor & Francis.
22. Halligan, R. M. & Others (2017). *Intellectual Property Law*, United State: Illinois Institute for Continuing Legal Education.
23. Howell, C. & Farrand, B. (2017). *Intellectual Property Law*, United Kingdom: Person Education Limited.
24. *Intellectual Property Law* (2002). London: Cavendish Publishing Limited.
25. Stokes, S. (2001). *Art and Copyright*, North America: Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon.

- Articles

26. Fernandez-Molina, J. C. & Peis, E. (2001). The Moral Rights of Authors in the Age of Digital Information. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*. 52(2), 109-117 . <https://doi.org/10.1002/1097-4571>.
27. Hansmann, H. & Santilli, M. (1997). Authors' and Artists' Moral Rights: A Comparative Legal and Economic Analysis. *The Journal of Legal Studies*. 26 (1), 95-143. <https://doi.org/10.1086/467990>
28. Hawkins, R. J. (2008). Substantially Modifying the Visual Artists Rights Act: A Copyright Proposal for Interpreting the Act's Prejudicial Modification Clause. *UCLA Law Review*. 55(5), 1437-1478.

29. McCartney, S. J. (1990). Moral Rights under the United Kingdom's Copyright, Designs and Patents Act of 1988. *Columbia-VLA Journal of Law & the Arts*. 15(2), 205-246.
30. Makovec Petrik, T. (2012). Moral Rights of Composers: The Protection of Attribution and Integrity Available to Musicians in the European Union and the United States. *Fordham Intell. Prop. Media & Ent. L.J.* 22(2), 359-382.
31. Pierer, J. (2019). Authors' Moral Rights after Death: The Monistic Model of German Law, Austrian Law and the Revised Berne Convention. *University of Vienna Law Review*. 3(0), 1-41. <https://doi.org/10.25365/vlr-2019-3-1-1>.
32. Rigamonti, C. P. (2006). Deconstructing Moral Rights. *Harvard International Law Journal*. 47(2), 353-412.
- Thesis
33. Siefarth, Christof (1986). *Motion Pictures in American and International Copyright Law*, University of Georgia School of Law.